

عوامل زمینه ساز در ایجاد روابط نا سالم میان دختر و پسر

ابتدا بایستی مراد و منظور از واژه رابطه فهمیده شود و سپس معیار و ملاک ما از اینکه به مجموعه‌ای از روابط سالم و به مجموعه‌ای دیگر ناسالم می‌گوییم چیست؟ رابطه واژه‌ای عربی است که در معنای تماس و وصل شدن به کار می‌رود و در گفتار روزمره به مجموعه‌ای از رفتارهایی اطلاق می‌شود که در تماس با یکدیگر ابراز می‌کنیم. رابطه و برقراری آن با دیگران فی نفسه محکوم به فساد و تباهی نیست و این، هدف و مقصود نهایی و غایی طرفین است که صفت سالم یا ناسالم بودن را به همراه خواهد داشت. این نکته را هم باید متذکر شد که در جوامع مختلف، بنا به نوع فرهنگ و آداب و رسوم و آموزه‌های ملی، تعاریف مختلفی از روابط سالم و ناسالم ارائه می‌شود. در این نوشتار سعی بر این است تا عوامل زمینه ساز در ایجاد روابط ناسالم میان دختر و پسر مورد بررسی قرار گیرد. این عوامل را می‌توان در چهار بخش طبقه‌بندی کرد:

۱- عوامل درونی و روانی: این عوامل به شرط وجود سایر عوامل، می‌تواند موجبات برقراری روابط ناسالم را فراهم نماید. تفاوت در حالات روحی و روانی و اخلاقی دختران و پسران و علایق و خواسته‌های آنان می‌تواند باعث بروز روابط ناسالم میان این دو شود. تفاوت درونی دیگری که می‌توان نام برد قوه شهوت نهفته در نهاد آدمی است که فی‌نفسه نیروی محرک مثبتی است به این جهت که باعث جذب دو جنس می‌شود و دلیلی است برای رابطه مثبت و زندگی مشترک؛ اما همین نیروی مثبت اگر در جهت نیل به هوسرانی قرار گیرد، تبدیل به بلایی خانمانسوز می‌گردد که نمونه آن در همه جوامع یافت می‌شود.

۲- عوامل اجتماعی: عوامل اجتماعی را به دلیل اهمیت خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک و مهمترین اجتماع در رشد و تربیت افراد به دو بخش تقسیم می‌کنیم:

الف) عوامل خانوادگی ب) سایر عوامل اجتماعی

الف) عوامل خانوادگی: خانواده به عنوان اولین کانون رشد و تعالی جوانان در سعادت و شقاوت دختران و پسران نقش کلیدی دارد. اگر خانواده دارای شرایط و احوال خوبی باشد، در امر تعلیم و

تربیت فرزند خود موفق خواهد بود. عواملی نظیر بیسوادی، نداشتن آگاهی کافی از روشهای تعلیم و تربیت و عدم ارتباط مناسب والدین با یکدیگر می تواند دلیلی برای بروز روابط ناسالم میان دختران و پسران باشد.

ب) سایر عوامل اجتماعی: علاوه بر عوامل خانوادگی تاثیرگذار بر روابط دختر و پسر، سایر عوامل اجتماعی نیز در سطحی فراتر بر روند رفتار و روابط آنان تاثیر می گذارد. بافت جامعه از لحاظ آداب و رسوم و عادات غالب مردم در قومیت‌های مختلف و همچنین روابط مردم در طبقات مختلف جامعه، باعث ایجاد تفاوتها و چالشهای میان افراد شده و زمینه ایجاد یک روابط ناسالم را بوجود می آورد.

۳- عوامل اقتصادی: عوامل اقتصادی را اگر به صورت یک طیف در نظر بگیریم، دو سر این طیف از یک سو فقر و در سوی دیگر ثروت می باشد. هر دوی این اوضاع در تجربیات گوناگون نشان داده که در بیشتر مواقع، دارای عدم روابط سالم است. البته استثنائاتی هم وجود دارد، اما آنچه مسلم است، این است که در همه جوامع، از جمله عوامل مهمی که باعث ترویج فساد و فحشا می شود، فقر است. و همچنین گروهی از افراد که دارای ثروت و توانایی مالی زیادند، در صورت وجود سایر عوامل، دارای روابط ناسالمی خواهند بود.

۴- عوامل فرهنگی: با دقت در فرهنگ حاکم بر جوامع مختلف در می یابیم که تفاوت‌های زیادی میان این فرهنگ ها وجود دارد و هر کدام از آنها تعریفی از رابطه سالم و ناسالم ارائه داده اند، اما آیا تعریف سالم بودن یک رابطه دلیل بر عدم وجود رابطه ناسالم است؟ مثلا در جوامعی که حتی داشتن روابط جنسی میان دختران و پسران به شرط وجود رضایت دختر، یک امر عادی و غیر جرم محسوب می شود، آیا به صرف جرم نبودن این روابط، می توان بر سالم بودن آن صحه گذاشت؟ از سوی دیگر جوامعی که این روابط در آنها جرم محسوب می شود و قطعا از نظر فرهنگی، عملی ناشایست است، راه های جایگزینی را برای ایجاد رابطه صحیح و سالم میان دختران و پسران بوجود می آورد؟ در مجموع می توان گفت برای اینکه بتوان از ایجاد روابط ناسالم جلوگیری کرد، باید عوامل فرهنگی تاثیرگذار را تشخیص داده و البته باید نوع و تفاوت فرهنگ ها را در این راه مد نظر قرار داد..